شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

۵شنبه

سال پانزدهم
۲۶ مرداد ۱۴۰۲
۳۰ محرم ۱۴۴۵
شماره ۴۰۱۴

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
- سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
- نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹



دمای هوای مشهد

رطوبت هوا ۲۲٪

۳۳° ↑ ۱۹° ↓

صبح ۲۰ | ظهر ۳۰ | عصر ۳۱ | شب ۲۸

اوقات شرعی مشهد

- اذان ظهر ۱۱:۳۵:۴۱
- نیمه شب شرعی ۲۲:۴۹:۳۰
- غروب آفتاب ۱۸:۲۰:۱۹
- اذان صبح فردا ۰۳:۱۹:۴۹
- اذان مغرب ۱۸:۳۹:۳۲
- طلوع آفتاب فردا ۰۴:۵۱:۵۱

اول شخص

من عزتم، بچه سنگلج

یادی از مرحوم عزت ا... انتظامی، پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون به بهانه سالروز درگذشتش



آزاده چشمه سنگی
نویسنده

دهه ۲۰، نخستین بارقه‌های عزت ا... انتظامی در عرصه هنر درخشیدن گرفت. او که پس از گذراندن رشته برق در هنرستان، آینده روشن خود را در زمینه نمایش و تئاتر یافته بود، پس از مدتی تمرین و آموزش، با اندک اندوخته هنری خود به آلمان سفر کرد تا در مدرسه شبانه آموزش سینما و تئاتر هانوفر، هنر نمایش را به شکل آکادمیک بیاموزد. اما هنگامی که به ایران بازگشت، فضای سینما و نمایش پیش از انقلاب را در خور فعالیت ندید و در کنار معدود پروژه‌های بازیگری، عمده زمان خود را در حوزه دوبله سپری کرد. فیلم «واریته بهاری» به کارگردانی پرویز خطیبی در سال ۱۳۲۸ نخستین تجربه سینمایی او بود. انتظامی، هشت سال پیش از آن نیز نخستین نمایش صحنه‌ای خود با عنوان «اولتیماتوم» را در کنار پرویز خطیبی تجربه کرده بود و حالا سالن‌های کوچک سینمایی لاله‌زار، بستر معرفی بازیگری بودند که بعدها به سینمای ایران عزت داد و با سبک بازیگری خود، به هر اثر نمایشی و تصویری اعتبار بخشید. سال ۱۳۴۸ اما با ایفای نقش مش حسن در فیلم «گاو» به کارگردانی داریوش مهرجویی، نه تنها کارنامه هنری خود را ارتقا بخشید که نقطه عطفی در تاریخ بازیگری سینمای ایران شد و توانست جایزه هوگوی نقره‌ای جشنواره بین‌المللی شیکاگو را از آن خود کند. پس از آن نیز در سال ۱۳۵۱ با زمینه پیش‌پرده‌خوانی، عنوان هنری‌اش فون کلاسیت را برای پایان‌نامه کارشناسی خود در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران انتخاب کرد و در همان روزها مورد تحسین و ستایش بهرام بیضایی قرار گرفت و پا به پای هم دانشکده‌ای‌های مستعدی نظیر حمید سمندریان و اسماعیل شنگله پله‌های ترقی را یک به یک پیمود. در کارنامه او بیش از پنجاه فیلم سینمایی به چشم می‌خورد که با حضور در آثار کارگردانان برجسته‌ای چون علی حاتمی، ناصر تقوایی، مسعود کیمیایی و رخشان بنی‌اعتماد، مجال بروز تجربیات و دانسته‌های خود را در حیطه بازیگری یافت و در این مسیر با دریافت سه سیمرغ بلورین از جشنواره‌های فیلم فجر برای بهترین بازیگر نقش اول مرد (در فیلم‌های گراند سینما، روز فرشته و مینای شهر خاموش) و دو سیمرغ بلورین برای بهترین بازیگر نقش مکمل مرد (در فیلم‌های خانه‌ای روی آب و گاوخونی) مورد تقدیر قرار گرفت.



عزت ا.. انتظامی، چهره ماندگار سال ۱۳۸۲ سرانجام در ۲۶ مرداد سال ۱۳۹۷ در بیمارستان با هنر تهران بر اثر سکته مغزی درگذشت و منزل او از سوی معاونت فرهنگی شهرداری منطقه یک تهران به موزه استاد انتظامی تبدیل شد. «من عزتم، بچه سنگلج» عنوان کتابی درباره زندگی هنری استاد انتظامی است که در مقدمه آن یادداشتی از ژان کلود کریر، فیلم‌نامه‌نویس و بازیگر فرانسوی به چشم می‌خورد: «هیچ دستوری برای ستاره شدن و ستاره ماندن وجود ندارد. باید دارای یک نگاه، یک حضور، جذابیتی آنی و چهره‌ای آشنا، حتی پیش از نخستین دیدار، بود. باید دارای یک دم، یک حس و تمام ویژگی‌هایی که لغت روح را معنی می‌کند، بود.»

سه نقش ماندگار مرحوم عزت ا... انتظامی

«گاو»

فیلمی به کارگردانی داریوش مهرجویی و برپایه قصه «گاو» از کتاب «عزاداران بَیَل» نوشته غلامحسین ساعدی ساخته شده که درباره شخصی است به نام مشهدی حسن (با بازی عزت ا... انتظامی) که دل‌بستگی خاصی به تنها گاو خود دارد، اما روزی که مش حسن به شهر رفته، گاو به علت نامشخصی می‌میرد و نعش آن در حیاط منزلش دفن می‌شود. بازگشت مش حسن و رویارویی با این صحنه، او را به وادی انکار و جنون می‌برد. «فیلم گاو علاوه بر اقبال داخلی، نخستین بار در سال ۱۹۷۱ در جشنواره فیلم ونیز روی پرده رفت و همچنین در جشنواره‌های کن، برلین، مسکو، لندن، لس‌آنجلس و دیگر جشنواره‌ها به نمایش درآمد.

«حاجی واشینگتن»

فیلمی از علی حاتمی است که داستان زندگی غم‌انگیز حسینقلی خان صدرالسلطنه با بازی عزت ا... انتظامی، نخستین سفیر ایران در آمریکا را روایت می‌کند. حاجی واشنگتن، به ظاهر روایت تاریخی اعزام سفیر ایران به آمریکا در دوره ناصرالدین شاه را نقل می‌کند، اما در واقع نگاه انتقادی و تحلیلی مؤلف، چهره اجتماعی، تاریخی و سیاسی دست‌کم دوره‌ای از ایران را در لایه‌های پنهان کلامی و تصویری نشان می‌دهد که گاهی به طنز آغشته است و گاه در دل سکوت‌های طولانی به تحلیل شخصیت‌های تاریخی و سیاسی زمانه‌اش می‌پردازد.

«گاوخونی»

گاوخونی فیلمی به کارگردانی و نویسندگی بهروز افخمی و تهیه‌کنندگی علی معلم است که بر اساس رمان «گاوخونی» نوشته جعفر مدرس صادقی در سال ۱۳۸۱ تولید شد. این فیلم داستان کابوس‌های جوانی را حکایت می‌کند که پدرش از دنیا رفته و خاطرات زادگاهش یعنی اصفهان و رودخانه زاینده رود، او را به مرز پریشانی می‌رساند. عزت ا... انتظامی در این فیلم که در جشنواره‌های بین‌المللی نظیر جشنواره فیلم ونکوور، کن، بریسبن و آسیا پاسفیک فوکوئوکا به نمایش درآمد موفق به دریافت سیمرغ بلورین نقش مکمل مرد در بخش مسابقه بین‌الملل جشنواره فیلم فجر شد.

شهید

حسین شریعتی



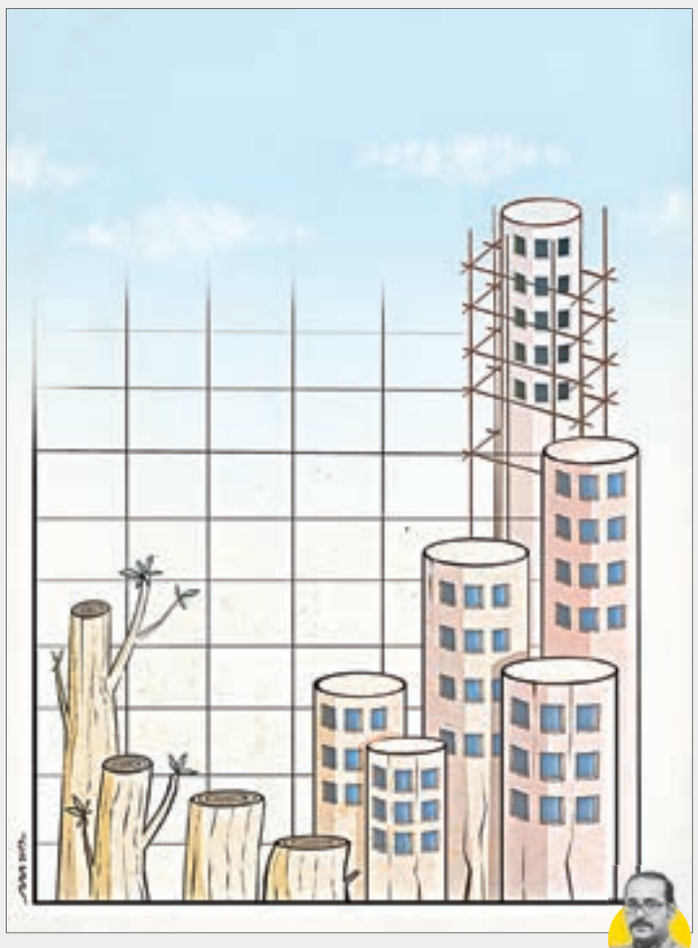
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۸/۲۳

تاریخ تولد: ۱۳۲۱/۵/۱۰

محل تولد: تربت حیدریه

محل شهادت: سومار

کارتون شهر



مجید ادیبی

بدون شرح...

سه کنج شهر

سطرهایی درباره اینکه آغاز سفر از جایی است که شهر تمام می‌شود

رؤیای شیرینِ دور میدان گاراژدارها



حسن احمدی‌فرد
روزنامه نگار

شاید خیال کنید «پایانه»ها نقطه آغاز سفر هستند، جایی که اتوبوس‌ها با آن بوی آشنای دودگازوئیل، ردیف شده‌اند کنار هم. اما نه، سفر از جایی شروع می‌شود که شهر به پایان می‌رسد. شهر، با همه شلوغی‌ها و بندهای نامرئی که با آن شهروندانش را به ماندن مجاب می‌کند. ازین منظر، دور «میدان گاراژدارها» نقطه مناسب‌تری است برای آغاز سفر. شاید برای همین هم هست که انبوه ماشین‌های سفری، در حاشیه میدان ردیف شده‌اند و آدم‌ها را به سفر می‌خوانند. به رفتن. نیشابور، سرخس، تربت حیدریه، تربت جام، تایباد، دوغارون، هرات و هزار و یک مقصد دیگر. صبح‌ها وقتی راهی رسیدن به محل کار هستم، رؤیایی شیرین از همین دور میدان گاراژدارها سوار ماشینم می‌شود. می‌پرسد: نمی‌شود ناگهان همه قول و قرارهای کاری را کنار بگذاری و آزاد و سبک، سوار یکی از همین ماشین‌ها بشوی و راه بیفتی سمت مقصدی نامعلوم در جاده‌هایی دور دست؟! شک ندارم که خیلی‌های دیگر هم این رؤیای شیرین را دیده‌اند که همیشه همان طرف‌ها قدم می‌زند. آن آدم‌ها، که زیر پوست تن تک تکمان نفس می‌کشد، هروقت دور میدان گاراژدارها می‌رسد، بی‌خیال ما و مناسبات کاری‌مان، راهش را کج می‌کند سمت ماشین‌های سفری. می‌گردد ببیند کدامشان آماده راه افتادن هستند. سوارش می‌شود و به راننده می‌گوید برویم؛ بعد فرومی‌رود در صندلی ماشین و چشم می‌دوزد به آدم‌های مسافر، به راننده‌ها، به دکه‌ای که چای و آبجوش دارد، و هوایی را نفس می‌کشد که پر است از وسوسه‌های رفتن... ساعتی بعد در میانه راه پیاده می‌شود، جایی دور از همه مقصدها. کوله‌اش را می‌اندازد روی شانه‌اش و راه می‌افتد سمت جایی که نمی‌داند کجاست، فارغ از همه پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌های ملال‌انگیز و حوصله‌سربر.

چقدر شهر به دور میدان گاراژدارها نیاز دارد. به حاشیه پلیس‌راه در جاده توس. به اول بولوار بهمن. به جایی که آدم‌ها را راهی سفر می‌کند. فارغ از همه آن بندهای نامرئی، پهلو به پهلوی آن رؤیای شیرین که همیشه همان طرف‌ها قدم می‌زند.

روایت

علم بهتر است به شرط ثروت!



سیدمحسن موسوی‌زاده
روزنامه نگار

انشای علم بهتر است یا ثروت مانند بسیاری از الفاظ و لغات هر چند این روزها به یک کلیشه طنزآمیز تبدیل شده است، اما زمانی برای خودش شأن و اعتباری داشته است. شأن این سؤال به اینجا برمی‌گردد که معلمان زیادی بعد از ارائه این موضوع به عنوان انشا به دانش‌آموزان، کلی درباره زندگی افرادی که در کودکی دچار فقر بودند و بعد با سعی و تلاش و از راه علم‌آموزی به درجات بالای اجتماع رسیدند سخن می‌گفتند. آن زمان کودک بودم و چندان از مفاهیم اجتماعی نهفته در کلام معلمان سر در نمی‌آوردم، اما حالا که به میان سالی رسیده‌ام، می‌توانم کل انشا را در یک کلمه خلاصه کنم. علم‌آموزی راهی برای تحرک اجتماعی و رفتن از دهک‌های کم برخوردار به دهک‌های متوسط و برخوردار است. در واقع علم‌آموزی دریچه‌ای باز می‌کند که با آن می‌توانی بر شرایط جبر ناخواسته روزگار غلبه کنی. با این حال چندی است که این معادله تغییر کرده است. به طوری که آمارها نشان می‌دهد اکنون علم‌آموزی و ثروت در حال تجمیع در دهک‌های خاصی بوده و دریچه تحرک دهک‌های کم برخوردار از طریق علم‌آموزی در حال بسته شدن است. در همین راستا منصور کبگانیان عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با ارائه آماری درباره قبولی دهک‌های مختلف اقتصادی در کنکور در یک برنامه تلویزیونی اعلام کرد که دهک اول تا سوم که قشر کم برخوردار هستند تنها ۲ درصد از قبولی رتبه‌های زیر ۳ هزار کنکور هستند. جالب این است که در رشته‌های خاص وضعیت بدتر می‌شود یعنی رتبه زیر ۳ هزار در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ برای رشته داروسازی و دندان‌پزشکی در دهک‌های ۸، ۹، ۱۰ میزان ۸۶ درصد و برای دهک‌های دیگر ۱۴ درصد است، دهک اول یک دهم درصد است یعنی نسبت به رشته‌های دیگر یک سوم هم کمتر شده است. این آمار نشان می‌دهد که علم‌آموزی در حال نهادینه شدن در قشر برخوردار و خاصی است. مسئله‌ای که پیامدهای فاجعه‌باری را در آینده‌ای نه چندان دور برای کشور به دنبال خواهد داشت. نهادینه شدن اشراف‌سالاری در جامعه از مهم‌ترین پیامدهای راهیابی انحصاری دهک‌های برخوردار به دانشگاه‌ها و رشته‌های برتر است. این روش سبب می‌شود تا منزلت و منابع اجتماعی فقط در انحصار قشر خاصی باقی بماند و سایر اقشار اجتماعی دچار سرخوردگی شوند. از این رو برای جلوگیری از چنین اتفاقی از هم اکنون باید چاره‌ای اندیشید.

چکامه

باز این چه شورش است، مگر محشر آمده
خورشید سربرهنه به صحرا برآمده
آتش به کام و زلف پریشان و سرخ روی
این آفتاب از افقی دیگر آمده

سعید بیابانکی



کتاب «بنیان‌های روابط اجتماعی مطلوب از منظر قرآن کریم» در این اثر تصویری از روابط اجتماعی مطلوب بر اساس قرآن کریم ارائه می‌شود به طوری که در سه حوزه اصلی: (۱) روابط درون خانواده (۲) روابط درون جامعه اسلامی (۳) روابط با غیرمسلمانان و سایر جوامع غیر اسلامی، بر اساس آیات قرآن، رویکردهای تفسیری و احادیث، طبقه‌بندی و تحلیل شده است.

۰۹۱۵ ۵۵۹ ۶۹۹۴

روایت یک قاب

مهمان خانه



حمید سبحانی
عکاس و نویسنده



توی کوچه پس کوچه های سرشور، جایی است که زندگی از خروس خوان با آدم هایی شروع می شود که به قصد نماز و زیارت راهی حرم می شوند و تا پاسی بعد از نیمه شب حجره ها و مغازه های توی بازارش به روی زائران باز است. انتهای یکی از کوچه های قدیمی آشتی کنان یک مسافرخانه قدیمی دوار هنوز نفس می کشد. از آن مهمان سراهایی که در دو طبقه دایره شده، دور یک حیاط و شعاع دایره به تعدادی اتاق تقسیم شده است هر کدام برای یک یا چند مسافر. آنجا مهمان خانه قدیمی حاج طاهر است مربوط به دهه ۵۰. اسم مهمان خانه را خود حاج طاهر عمدا حک کرد روی تابلو سردر. توی این چند دهه هم فقط یک بار حاج طاهر دستی به رویش کشیده. درهای چوبی اتاق ها را آهنی مغازه ای گذاشته و رنگش کرده است. این هم بر می گردد به بیست سال پیش. مهمان خانه حاج طاهر خالی از زرق و برق و تشریفات مرسوم است. ده ها بار آمده اند آن را بخرند و کسانی بکوبندش و تبدیلش کنند به یک چند ستاره خوش نقش و نگار که این روزها انواعش زیاد آن طرف ها هست. حاج طاهر اما عقیده دارد اینجا برای کسانی است که می خواهند جایی نزدیک حرم اتراق کنند، شوق زیارت دارند، اما پولشان کم است برای منزل کردن نزدیک بارگاه.

حاج طاهر می گوید: برکت دارد. هرسال دهه محرم اما این مهمان خانه رخ عوض می کند. توی دهه اول محرم هیچ مردی را نمی شود و نمی توان توی مهمان خانه پیدا کرد. تنها همین ۱۰ روز است که سکان مهمان خانه سپرده می شود به حاج خانم؛ عیال حاج طاهر. قصه این است که یک کاروان زیارتی یا بهتر بگویم یک هیئت زنانه از مازندران راهی می شوند مشهد و دهه اول محرم را مراسم عزا می گیرند. بیشتر از ۱۰ سال است که این روضه زیارتی توی این مهمان خانه برگزار می شود. دو روز قبل از رسیدن کاروان مازندران، هیچ مسافری پذیرفته نمی شود. مهمان خانه آب و جارو می شود، سیاهی و کتیبه نصب می شود و تبدیل می شود به حسینیه. بعد کلید این حسینیه تحویل حاج خانم می شود. کارگر و خانه دار و کارمند هم می روند به مرخصی و هرکدام از این جایگاه ها را یکی از اعضای کاروانی که می رسد به عهده می گیرد. زن های زیادی هم از همسایه ها و منازل آن حوالی به این مهمان خانه حسینیه شده اضافه می شوند. خلاصه اینکه ته این کوچه های باریک قدیمی گاهی زندگی یک جور دیگر جریان دارد.

عکس: امیرعنایتی